

1st International Symposium On Iranian Ancient Languages And Scripts *From Turpan to Ctesiphon*

Pr. Jaafari-Dehaghi Mahmoud...University Of Tehran

Pr. Jamshedov Parvonakhon...Tajikistan National Academy of Sciences

Pr. Sharifova Farangis...National University Of Tajikistan

15-17 MAY 2022





Publisher: CGIOU

Name: From Turpan to Ctesiphon

Paperback: 33 pages

Year: 2022

ISBN: 978-99975-67-81-4

Phone: +1(408) 767-22333

Address: 8339 Church Street #211, Gilroy, CA 95020

25 Central Park West, 1M, New York, NY 10023

نخستین همایش درباره گویش ها و دبیره های کهن ایرانی "از تورفان تا تیسفون"

ساختار یکجا زیستی ایرانیان در آنچه امروز گستره فرهنگی ایرانی نامیده میشود از ویژگی های برجسته ای برخوردار است که بخش های ناشناخته آن بیش از پیش با دانش های گوناگون از جمله شناختن گویشها و دبیره ها، فناوری و کشاورزی، باستان شناسی و زنتیک در کنار دیگر داده های تاریخی آشکارتر میگردد. بنا به آنچه اکنون پذیرفته شده است، گروه زبان ایرانی در شاخه هند و اروپایی جای داده شده و سپس به ریشه یابی آن پرداخته است. ویژگی گروه زبانی گستردۀ هندو ایرانی ساختار آوایی و جغرافیایی آن است، سازه های زبانهای کهن ایرانی مانند اوستایی و سانسکریت به ویژه بسیار به هم نزدیک هستند. پارسی باستان (ایرانی باستان باختری) با مانندی بسیار با این گویشها، با گوناگونی آوایی ویژه مشخص می شود. در میان پژوهش های اخیر، چندین نمونه به زبان های هندو ایرانی در سرزمینهای شمال شرق ایرانی و در هیمالیا از یک سو، و داده هایی از زبان های هندو ایرانی سرزمینهای ایران باختری به ویژه در نزد میتانی ها و هیتی ها از سوی دیگر، نشان می دهد که گروه هایی از مهاجران که احتمالاً از آسیای میانه آمده اند، از آغاز هزاره دوم پیش از میلاد در سرزمینهای باختری ساکن شده اند. ، پژوهشها نشان داده است که پیش از درآیش گروههای مهاجر در نزد باشندگان این سرزمین، گویش آنها بیشتر به زبان هندی بوده است تا ایرانی.

همه این داده ها گواه بر پیچیدگی شناخت ساختار گویشها و دبیره های کهن ایرانی از مرزهای تورفان در ختن تا دل ایرانشهر در تیسفون دارد. دانشگاه جهانی کورش بزرگ افتخار دارد که بتواند با همکاری دانشوران کارآگاه در سراسر جهان گامی در شناخت و شکوفایی این یادمان چندین هزارساله بردارد. در همین راستا، نخستین همایش درباره گویشها و دبیره های کهن "از تورفان تا تیسفون" با شرکت 23 فرهیخته از سراسر جهان برگزار میشود. این همایش بنا به دشواریهای ناشی از بیماری همه گیر بگونه "هستنما" انجام و به امید اینکه همایش آینده با همکاری دانشگاه ملی تاجیکستان در شهر دوشنبه پایتخت جمهوری تاجیکستان برگزار شود.

❖ از سوی دانشگاه جهانی کورش بزرگ

مسعود میرشاهی

CGIOU، آکادمی ملی علمهای تاجیکستان، دانشگاه پاریس

برنامه همایش

به پیش باز همایش (تالار رودکی)

- محمود جعفری دهقی، استاد دانشگاه تهران و رئیس انجمن ایران شناسی
 - پروان جمشیدی، پروفسور، فرهنگستان ملی علمهای تاجیکستان
 - فرنگیس شریف‌اوا، پروفسور دانشگاه ملی تاجیکستان
- با همکاری شمیران آبرامیان، کورش معصومی قشلاقی، نجیب الله نوروزی، فرزاد فرازدل و دکتر لاله حاج‌بوا.

❖ واژه‌ها و اصطلاحات (تالار فردوسی)

1. روند جهانی‌شوی و رشد نظام اصطلاحات و لغات تخصصی (بختیار رحمان‌اف، دانشیار دانشگاه دولتی آموزگاری تاجیکستان)
2. مقایسه بعضی از واژه‌های «شاہنامه»‌ی فردوسی به زبان شغنانی، یکی از گروه زبان‌های پامیری (قربان محمدداف س.خ دانشکده زبان‌ها، دانشگاه دولتی طبی ختلان).
3. نظری به تحول واژه هومینیزم (شهباز‌کیراف، دانشیار دانشگاه ملی تاجیکستان).
4. یک واژه دخیل در زبان پارسی دری "سدۀ دهم و یازدهم" ، (جابراف عبدالقدار، دانشیار دانشگاه ملی تاجیکستان).
5. بررسی تغییرات معنایی چند واژه در گویش فرخار افغانستان (نیلوفر ناصری، دانشگاه تخار افغانستان).

❖ وضع کنونی زبان و گویش‌های ایرانی (تالار صدرالدین عینی)

1. تاجیکان چین و وضع کنونی زبان آنها (خورشید کیراف، دانشیار دانشگاه ملی تاجیکستان).
2. سرنوشت یک گویش متروک ایرانی شرقی (فرنگیس شریف‌اوا، پروفسور دانشگاه ملی تاجیکستان).
3. خطر روبه زوال نهادن زبان اشکاشمی (نظر نظروف. ظریفه نظراوا، مسکو، پژوهشگاه زبان‌های آکادمی علوم روسیه).
4. زبان‌های پامیری: راه رسیدن به سنت نوشتار (پروفسور لیلا دادخدایوا، مسکو، پژوهشگاه زبان‌های آکادمی علوم روسیه) (انگلیسی).
5. وضع کنونی زبان‌های بی دیره در تاجیکستان، (دکتر سعادت‌شاه متربابیان دانشگاه ملی تاجیکستان)
6. اندیشه‌ها پیرامون تاثیر پذیری گویش‌های تاجیکی بدخشان از زبان‌های پامیری (دکتر عزیز میر بابایوف، دانشگاه ملی تاجیکستان)

❖ زبانهای کهن و آثار کهن (تالار پور داود)

1. شهریاری آرمانی بنابر گاهان اوستا (دکتر محمود جعفری دهقی، استاد دانشگاه تهران و رئیس انجمن ایران شناسی).
2. چند نکته در باره قوم خیه‌آنی / خیه‌آن در آثار باستان (پروفسور پروان جمشیدی ، فرهنگستان ملی علمهای تاجیکستان).
3. چگونه ریشه یابی واژه ها میتواند نمایانگر ساختار آنها باشد، نمونه واژه‌ای " سکرَن به چم زمین " و " پیری‌گر به چم پیرامون " (فریدون جنیدی، بنیاد نیشابور، ایران).

❖ زبان معیار و آنتروپولوژی زبان (تالار علی اکبر دهخدا)

1. اصالت زبان معیار در زبان زنده مردم (صادق قربانی، دانشیار دانشگاه ملی تاجیکستان).
2. قیاس واژه های زبان معیار تاجیکی با لهجه جنوب تاجیکستان (نذر الله کریم‌اف، دانشیار دانشگاه ملی تاجیکستان).
3. آنتروپولوژی زبان در افغانستان (فریده احمدی دانشگاه اسلو، نروژ).
4. گویش شبانکاره در زبان فارسی (منصور عزیزی ، ایران).
5. سخنی پیرامون سره گویی و سره نویسی(هومر آبرامیان ، استرالیا).

❖ مسائل دستوری زبانهای ایرانی (تالار ناصر خسرو)

1. نقش پسوند " وِر var " در واژه سازی، (سیف الدین میرزاووف، انسستیتو زبان و ادبیات آکادمی ملی علمهای تاجیکستان-رودکی).
2. نقش پسوند DON/-DUN در واژه سازی زبان یغناپی (سیف الدین میرزاووف، انسستیتو زبان و ادبیات آکادمی ملی علمهای تاجیکستان-رودکی).
3. پارسی گویی و پارسی نویسی چونان نماد همبستگی ایرانی و دستور رضاخانی (دکتر فرشید دلشاد ، امریکا).
4. خط فارسی ، نه عربی (علی اکبر صمدی ، ایران).
5. دبیره، آفریده ایرانی (بهروز تابش ، آمریکا).

روند جهانی‌شوی و رشد نظام اصطلاحات و لغات تخصصی

بختیار رحمان‌اف،

استاد دانشگاه دولتی آموزگاری صدرالدین عینی تاجیکستان

کلمه‌های بین المللی کلمه‌های می باشند، که در یک زبان پیدا شده، بعده با سببهای گوناگون برای افاده آن مفهوم در اکثر زبانهای دگر به کار گرفته شده اند. به این گروه کلمه‌ها پیش از همه اصطلاحات علمی، نام دستگاه‌های تکنیکی (میکروسکوپ، تلفن، ماهواره، اینترنت)، مؤسسه‌های جمعیتی-دولتی (پولیس، جمهوری، آکادمی)، لغات ورزشی (گال (گول)، جودا، آلمپی) و غیره داخل می شوند.

ولی این را باید دانست، که شرایط کنونی (روند جهانی‌شوی) ما را وادر می نماید، که به این روند یک سو آیم، زیرا به زیاد گردیدن وسایل ارتباطی در بین مردمان، روند به هم نزدیک شدن زبانها و اهمیت بین المللی کسب کردن خیلی از کلمه و اصطلاحات طبیعی است. بیشتر کلمه و اصطلاحات بین المللی، که امروز مشاهده می شود، از حساب زبانهای سیر استعمال و پهن شده عالم و زبانهایی، در گسترش مدنیت مادی و معنوی و علم و فرهنگ سهم زیادتر دارند، می باشند. از این جاست، که برآمد بیشتر لغات و اصطلاحات بین المللی بی واسطه یا با واسطه به زبانهای لاتینی، یونانی، انگلیسی، عربی، چینی و روسی دارند.

بعضی از عناصرهای لغوی اصلی تاجیکی توسط تمدن عالمگیر داشتن اقوام آریا (بویژه تاجیکان) و همچنین به واسطه معرف شوی به سطح لغات بین المللی رسیده اند: دین، ابد، ایوان، فیل، خندق... در مورد به سطح واژه‌های بین المللی رسیدن کلمه‌های یک زبان نفوذ علمی-فرهنگی، مدنی، ژئوپلیتیکی، مذهبی و حق سیاسی و اقتصادی اهمیت بارز دارد. چنانچه در سده آخر اقتصاد عالمگیر و سیاست ژئوپلیتیکی قوی آمریکا و انگلستان سبب شده است، که مقام و مرتبه زبان انگلیسی بالا رود و مورد توجه بیشتر عالمیان قرار گیرد.

مقایسه بعضی از واژه‌های «شاهنامه»ی فردوسی به زبان شغنانی (یک از گروه زبان‌های پامیری)

قربان محمداف س.خ
دانشکده زبان‌ها، دانشگاه دولتی طبی ختلان

مقصد تحقیق: چون به زبان آثار شاعران کلاسیک فارس و تاجیک در مقایسه با زبان ادبی معاصر فارس و تاجیک نظر اندازیم، می‌بینیم که کلمه و عباره‌های زیاد در طول سالها و قرن‌ها از بین رفته‌اند، یا دایره استعمال آنها محدود گردیده، در زبان امروز مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. آنها امروز تنها در گویش‌ها یا لهجه و شیوه‌های زبان فارسی-تاجیکی مورد استعمال قرار می‌گیرند، میتوان این گویش‌ها یا لهجه و شیوه‌ها را نگهدارنده و حفظ کننده واژگان قدیمی زبان فارسی-تاجیکی حساب کرد.

مواد تدقیقات: اساساً مواد تدقیقات را واژه و کلمه‌های که در "شاهنامه"-ی ابوالقاسم فردوسی استفاده برده شده و مقایسه آنها با واژه و کلمه‌ها، در زبان شغنانی گروه زبان‌های پامیری تشکیل می‌دهد. ذکر باید کرد که گروه زبان‌های پامیری به زبان‌های شرق ایرانی شامل بوده، این زبان‌ها را شرق شناسان به شرط "زبان‌های پامیری" عنوان کردند و این زبان‌ها، در قلمروی ولایت مختار کوهستان بدخشان جمهوری تاجیکستان گسترش یافته، به حیث زبان معاشرت مردم آن منطقه خدمت می‌کنند.

اصول تدقیقات: مواد مذکور با اصول مقایسوی- تاریخی مورد تحلیل و بررسی قرار داده شد.

نتیجه: زبان‌های پامیری به مانند دیگر زبان‌های زیادی باستانی ایرانی، کلمه‌های زیادی تاریخی را در خود محفوظ داشته، برای زبان معاصر فارسی- تاجیکی چون سرچشمۀ تاریخی خدمت می‌نماید. در رابطه به این ذکر باید کرد که در "شاهنامه"-ی حکیم ابوالقاسم فردوسی واژگان بسیار مورد کاربرد قرار گرفته‌اند که امروز در زبان شغنانی گروه زبان‌های پامیری مورد استفاده وسیع قرار می‌گیرد؛ ولی در زبان ادبی معاصر تاجیکی یا از بین رفته اند و یا کم استعمال گردیدند؛ چنانچه واژه‌های همال / امال، گرم، سر، خور / خر، بنه، پس / پچ، درگاه / درگا، بن، حمایل / امایل، ویر، بیاوه و امثال این‌ها در زبان ادبی معاصر تاجیک کم استعمال گردیدند. ولی در زبان شغنانی گروه زبان‌های پامیری این واژه‌ها خیلی سیر استعمال بوده، در صحبت‌های روزمره طبقه‌های گوناگون همیشه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

خلاصه: چنین کلمه و عباره‌ها در سراسر "شاهنامه" خیلی زیاد به نظر می‌رسد که امروز در زبان ادبی تاجیک کم استعمال اند یا به کلی از استعمال برآمده اند. ولی در شیوه و گویش‌های زبان تاجیکی کاربرد وسیع داشته، با تبدیل یک یا دو آواز و در بعضی حالت‌ها با گرفتن معنای نو استفاده می‌شوند. در نتیجه آموزش و تحلیل همه جانبه‌ی آنها می‌توان به انکشاف و تکامل منبعده زبان معاصر تاجیک تکامل تازه بخشید.

نظری به تحول واژه هومنیزم

شهباز کیراف

پروفیسور دانشگاه ملی تاجیکستان

عالم واژگان چون عالم بشریست، سرنوشت واژگان به سرنوشت انسان‌ها مشابه می‌باشد. بعضی واژگان در طول تاریخ وابسته به حوادث مختلف روزگار در بین کشورها گردش نموده، به تحول و تغییرات صوتی (شكلی) و معنایی مواجه می‌شوند، که واژه هومنیشن از جمله آنهاست. شایسته تأکید است که انسان گرایی نیاکان ما_ آریایی‌ها ریشه در اعماق تاریخ داشته و میتوان حدس زد که هر یک رمز: پندارنیک، گفتارنیک و کردارنیک را افاده و تلقین می‌نماید. مخصوص این سه رکن که تمام اعمال حمیده انسانی روی آنها استوار بوده، جوهر کتاب مقدسی «اوستا»-را تشکیل می‌دهند. در واژه باستانی ما هومنیشن تجسم یافته است. واژه‌ی مذکور از سه لحاظ: پیشوند(هو)، ریشه‌ی (من) و پسوند (اشن) شکل گرفته است.

پیشوند هو معنای خوب و نیک را افاده نموده، از اسم، صفت می‌سازد: (هو چشم)- نیک چشم، (هو خرد) - نیک خرد، (هوشنگ)- خانه ای خوب، جای خوب و غیره. شاید حصه چه ای تصدیقی هه (هاوه)، که مرادف خوب و بلى می‌باشد، از همین هو منشا گرفته باشد.

ریشه‌ی (من) فکر، اندیشه و نهایت را افاده نموده، هم ریشه‌ی واژه روسی (فکر و اندیشه) می‌باشد: (بهمن)- اندیشه‌ی نیک (به)، (دشمن)- اندیشه‌ی بد و غیره.

پسوند - معادل پسوند روسی- بوده، اسم معنی می‌سازد، ولی چون اسم شخص سازد، (ز) به (س) تبدیل می‌شود. مقایسه کنید:

همین طریق، به اندشه‌ی ما، اسکندر مقدومی در شمار غنیمت‌های هنگفت مادی و معنوی نیاکان ما این واژه‌ی نادرکه بیانگر جوهر جان آریایی‌هاست را نیز به ملک خود سودا برده، پس آن به زبان لاتینی و بعدا به زبان روسی وارد گردیده و چون روس‌ها آواز (ه) ندارند، ه- را به گ- تبدیل نموده اند // **амлет** // **Гамлет**, **Невродот** // **Геродод**, **Нёте** // **Гёте** ва ۰ در لباس بیگانه فرنگی - گمنیزم(гуманист) در زبان صاحبانش مستعمل می‌باشد.

یک واژه دخیل در زبان پارسی دری (عصر دهم و یازدهم)

جابراف عبدالقادر
دانشگاه ملی تاجیکستان

زبان پارسی دری قبل از اسلام نیز از زبان های بیگانه واژه های قرضی گرفته، ترکیب لغوی خود را غنی می نمود

در گذشته، زبان فارسی چه از زبان های خویش و چه از زبان های بیگانه، کلمه اقتباس نموده است که سابقه این اقتباس ها، به دوران قدیم و میانه زبان فارسی می رسد. اگر، از یک طرف، زبان پارسی با زبان های هندی و یونانی قرابت ژنتیکی داشته باشد، از طرف دیگر، دولت ساسانیان با یونانی ها و هندی ها روابط بازرگانی، سیاسی و فرهنگی داشت، که بدون شک، به زبان نیز تاثیر خود را گذاشت. زبان فارسی با زبان های سامی، گرجند که از خانواده زبان های گوناگون اند و با هم خویشی ندارند، از همان دوره قدیم با هم در رابطه بودند. این باعث گردید که این دو زبان با هم دیگر وام واژه دهند.

در آثار خطی عصر های ده و یازده یک گروه کلمه های به نظر می رسیدند که شکل یگانه ندارند و یک چند گونه آنها استفاده شده است. در املاء این واژه ها تلفظ زبان های ایرانی میانه نگه داشته شده است. این گونه خصوصیت را در آثار منظوم و منثور عصر ده ویازده میتوان مشاهده کرد.

در زبان و در آثار عصر دهم و یازدهم در فارسی میانه و زبان سغدی *šunbat šanbaδ* واژه شنبه به شکل شنبد به نظر می رسد. چنانچه در کهن ترین آثار خطی زبان پارسی به گونه شنبد بیشتر به کار رفته است:

ایزد تعالی به داود (ع) وحی کرد که قوم خود را بگوی، تا روز شنبد ماهی نگیرند و گرفتن آن را حلال ندارند.

از اندیشه محققان می توان به چنین خلاصه آمد که واژه شنبد از زبان آرامی به زبان های ایرانی میانه اقتباس شده است. در زبان پارسی دری واژه شنبد گونه شنبه را نیز می گیرد و در آثار خطی مرحله ای اول انکشاف زبان ادبی هر دو گونه آن به کار رفته است. در مرحله های بعدی رشد و انکشاف زبان ادبی گونه شنبه جای استعمال شنبد را می گیرد.

بررسی تغییرات معنایی چند واژه در گویش فرخار افغانستان

نیلوفر ناصری،

استاد دانشگاه تخار، افغانستان

کلمه های اصیل در تمام لهجه های زبان فارسی دری استفاده می شود ، اما نظر به حادثه های تاریخی میزان استفاده این گونه کلمه ها در لهجه های زبان دری فرق می کند، در ناحیه ی فرخار افغانستان نسبت همزیستی تاجیکان با همدیگر و مختلط نشدن آن ها با دیگر اقوام ، واژه های اصیل زبان دری خیلی زیاد استفاده می شود که بعضی آنها با حفظ شکل اولی خود، دچار تغییرات معنایی شده اند.

کواسه-این واژه در فرهنگ دهخدا به معنی گونه، طرز و روش آمده است و در فرهنگ معین دیده نشد. پنیرک - آفتاب پرست. لنج - ناز، کرشمه کردن. موم - شمع، چراغ. به جزء واژه کواسه متنباق آن در فرهنگ جامع معین نیز به همین معنی ها آمده است.اما گذر زمان باعث شده که این واژه ها دچار تحول معنای شوند. کاربرد امروزه این واژه ها در لهجه فرخار افغانستان: کواسه: فرزند نییره (در افغانستان فرزند را نواسه، فرزند نواسه را نییره ، فرزند نییره را کواسه می گویند) پنیرک - یک نوع سبزی که دارای برگ های ریز تقریباً گرد و لشم می باشد، به صورت خودرو سبز می کند. لنج- بی جان و بی حوصله شدن. موم - خمیر مصنوعی نرم که اطفال جهت بازی از آن استفاده می کنند.

خلاصه: واژه های لهجوي در زبان دری افغانستان تا هنوز مورد تحقیق همه جانبه قرار نگرفته است. بررسی جنبه های مختلف لهجه ها، ما را در شناسایی واژه های اصیل زبان دری که امروزه در زبان ادبی کاربرد ندارند ولی در لهجه ها باقی مانده اند، کمک می کند. همچنان درک آن عده واژه های که با حفظ شکل ظاهری در لهجه ها ، دچار تغییرات معنای شده اند، در فهم و تعبیر متون کلاسیک و امروزه بهترین یاری رسان میباشد.

تاجیکان چین و وضع کنونی زبان ایشان

خورشید کبیراف
، پروفسور دانشگاه ملی تاجیکستان
دانشگده سیاح صاحب کاری و خدمت

طبق معلومات، مدرک و سند های فراوان تاریخی باستان شناسی و مواد زبان شناسی، عالمان به خلاصه آمدند که حوزه شین جان (شینگان) که بعداً به نام ترکستان شرق و فعلاً به نام ولایت خودمختار سینزین واویغور معروف است، از عهد باستان تا قرن های اخیر منطقه ای زیست نیکان ما بوده است. تاجیکان مقیم چین (سری کولی ها) از جمله‌ی ایرانی نژادان می باشند که از قبیله‌های ساکن (سکیفی) منشا گرفته، درباره تعداد تاجیکان مذکور، معلومات گوناگون وجود دارد؛ زیرا که آنها به صورت پراگنده و در محیط اقوام ترک تبار زندگی می کنند. اگر در نهایت تاجیک نشینان تاشقرغان تقریباً 34 هزار نفر بوده و اساساً سری کولیها، به صورت دسته جمعی زندگی کنند، اما واخانی ها به طوری پراگنده، یعنی در حدود والاستهای ملی زرافشان، ترفاں، تار، نواباد، آزادآباد، و دیگر نواحی مختلف تابع کاشغر سکونت داشته و در مجموع، تعداد تاجیکان چین را در حدود بیش از 50 هزار ذکر کرده اند.

تاجیکان سری کولی تقریباً تا سال 1936 با زبان فارسی تاجیکی درس می خواندند، و بعد از این سال آموزش به این زبان تدریجاً محدود گردیده و از سال 1954 تا کنون آموزش و تعلیم به زبان اویغوری و چیفی صورت می گیرد. زبان سری کولی (مادری)، در محیط خانواده و معاشرت بین افراد گروهی ایتنیکی مذکور استفاده می شود و بس.

واقعاً حکومت چین نسبت به زبان اقلیت های ملی هیچ محدودیت را وضع نکرده است؛ اما از اینکه تاجیکان تاشقرغان تابع ناحیه های کاشغر می باشند، اویغوران محدودیت های مختلف و بی اساس را برای شان تعین کرده است.

به همین گونه، الحال زبان فارسی تاجیکی رو به فراموشی نهاده و زبان سری کولی نیز تحت تأثیر زبان های اویغوری و قرقیزی رو به تنزل نهاده است. بنابراین، حالت زبان مذکور نگران کننده بوده، اگر نسبت این زبان توجه و اقدام لازم صورت نگیرد، آن روز دور نیست که این همچون زبان های سغدی و باختری نیست شود و یگانه زبان که در کشور چین از زبان های شرق ایرانی نمایندگی می کند از بین برود.

سرنوشت یک گویش متروک ایرانی شرقی

پروفسور فرنگیس شریف آوا

استاد گروه تاریخ زبان دانشگاه ملی تاجیکستان

پژوهش حاضر در مورد یکی از گویش‌های زبان تاجیکی که گویش جنوب شرق است، به روش تطبیقی و تاریخی انجام شد.

در زبان تاجیکی ۴ گویش زیر موجود است: مرکزی، شمالی، جنوبی و جنوب شرقی. مطالعات علمی گویش‌های ایرانی در قلمرو تاجیکستان، که بیش از ۱۵۰ سال پیش آغاز شد، با موفقیت همراه بوده و همه گویش‌های زبان تاجیکی مورد آموخت و پژوهش قرار گرفت.

گویش جنوب شرق (دروازی) در نتیجه گسترش زبان فارسی در ناحیه درواز بدخشنان در قرن‌های ۱۴-۱۵ میلادی (برابر با قرن‌های ۹ و ۱۰ خورشیدی) شکل گرفته و جایگزین یکی از زبان‌های ایرانی شرقی در بدخشنان شد. (و آثاری ثبت نشده از خود برجای نمانده است و عمدتاً با جای‌نامها و برخی از واژگان محفوظ مانده ترمیم می‌شود و ظاهراً مرتبط با زبان‌های همسایه - ونجی کهن، یزگلامی و بیشتر به زبان‌های گروه شُغْنی- روشنانی (زبان‌های پامیری) است.

به منظور تشخیص واژگان کهن دروازی، بیش از دو هزار واژه جمع آوری گردید. بررسی تطبیقی واژگان گویش دروازی با دیگر گویش‌ها و ریشه شناختی آنها نشان داد که گویش مذکور در یک منطقه کوهستانی منزوی بود و ارتباطی ضعیف با سایر گویش‌های تاجیکان داشت و در بسیاری از نواحی‌های زمان قبل از شوروی با آنها شریک نبود.

به دلیل برخی عوامل عینی و ذهنی لغت کامل گویش جنوب شرق (دروازی) تا به حال منتشر نشده است. واقعیت این است که حدود رواج گویش دروازی در دو طرف ساحل رودخانه آمو واقع در بین تاجیکستان و افغانستان است که در گذشته تاریخی به یک ایالت تعلق داشته است. امروز، جمع آوری مطالب زبان در دو طرف رودخانه بنا بر اوضاع افغانستان بسیار دشوار است. همچنین در روند جهانی شدن ممکن است جمع آوری مطالب گویشی غیرممکن شود زیرا کلمات خاص این گویش بیرون از کاربرد می‌مانند.

نتایج مسیر تاریخی این گویش کهن نشان داد که روند موقع خود را از دست دادن گویش دروازی کهن و در حال حاضر به گوشه فراموشی رفتن واژگان آن سبب سرنوشت تلخ و زوال یک گویش ایرانی شرقی بوده است.

واژگان کلیدی: تاجیکستان، گویش، گویش ایرانی شرقی، زبان‌های پامیری.

خطر روبه زوال نهادن زبان اشکاشمی

نظر نظروف . ظریفه نظراوا ،
مسکو ، پژوهشگاه زبان‌های آکادمی علوم روسیه

زبان اشکاشمی چون سایر زبان‌های پامیری، از قبیل زبان‌های پی‌خط پامیری منسوب به گروه جنوبی-شرقی ایرانی متعلق به زبان‌های خانواده هندواروپایست. گونه دیگر نام زبان اشکاشمی (rəni) «زبانِ رُنی») می‌باشد، که به محل‌شناسی منسوب است. وی از نام روستای رن (rən) منشأ می‌گیرد، که باشندگانش اشکاشمی زیانند. از بس که اشکاشم ناحیه‌ماموری (مرکز ماموری) بوده دارای گروه‌ای گوناگون قومی و زبانیست، عده‌ای از همسایگان صرف نظر از اطلاعات تاریخی، به زبان اشکاشمی از روی رشک مناسبت می‌کنند. به قول آن‌ها، این اصطلاح محصول تخلیل زبان‌شناسان بوده، این زبان تنها «زبانِ رُنی» «rəni zəvük» می‌باشد. زبان اشکاشمی را همسایگان تاجیک زبان مردم پامیر، همچنین وحشی‌ها به طور ذیل نام می‌برند: اشکاشمی/-rən- /zabon-e rəni / rənigi / rani zik / rani، وحشی‌ها - تاجیک زبانان - بدخشان - تاجیک زبانان روبه زوال رُنی».

به عقیده محقق زبان اشکاشمی پروفسور. ت.ن. پخلینا وجه تسمیه محل‌شناسی اشکاشم (saka-kšama) «سرزمین سکایها») هندواریانی بوده، معنایش «زمین سکایها» می‌باشد [پخلینا، ۱۹۷۶]. ناوابسته به آن که زبان اشکاشمی مواجه زوال است، تا به حال وضع زبانی آن غیر از ۲-۱ مقاله مورد آموزش قرار نگرفته است [نظراوا، ۲۰۰۳؛ ۲۰۰۵، Müller]

حالا تهدید از دست رفتن این زبان چه در میان زبان‌شناسان و چه افکار جامعه اضطراب به وجود آورده است. بنا بر تعداد کم اشکاشم زبانان این زبان به «کتاب سرخ» (يونسکو ۱۹۹۵)، همچون زبان روبه زوال شامل گردید.

تعداد گویشوران به زبان اشکاشمی تقریباً هزار نفر بوده، همه آن‌ها در روستای رُن ناحیه اشکاشم ولایت مختارکوهستان بدخشان تاجیکستان، که در سرگه راست رودخانه پنج مرز افغانستان جایگیر شده است، زندگی می‌کنند.

به زبان اشکاشمی همچنین در بعضی خانواده‌های روستاهای سومجین (جمهوری تاجیکستان) و دهات سلطان اشکاشم دولت افغانستان (خرمنی، زرگران، باشند، شیخچ، اساست، بازار، داروند) تکلم می‌کنند، ولی طرز گفتار آن‌ها دارای ویژگی‌های آوایی خاصی می‌باشد.

در زبان اشکاشمی افغانستان و روستای سومجین آوازهای سیرپری (واک‌های مغزی، کامی) **č**, **đ**, **š**, **ž**, **čət**، **čət̪** نیستند: اشکاشمی (رُنی)، اشکاشمی (افغانستان سلطان اشکاشم) **čət̪**، سومجین **čət̪**، «خُرد؟»؛ اشکاشمی (رُنی) **udel**، اشکاشمی (افغانستان) **udel**، سومجین **udel** «پارو»؛ اشکاشمی (رُنی) **štok**، اشکاشمی (افغانستان) **štok**، سومجین **štok**؛ اشکاشمی **kəžuk** اشکاشمی (افغانستان) **kəžuk**، سومجین **kəžuk** «ورنگاو»؛ اشکاشمی (رُنی) **čəpošt**، اشکاشمی (افغانستان) **čəpošt**، سومجین **čəpošt** «پس، عقب» [نظراوا، ۱۹۹۸].

وضع زبان شناختی زبان اشکاشمی مرکب می‌باشد. حالت زبان شناختی زبان اشکاشمی را عاملهای سیاسی، جمعیت‌شناسی و اقتصادی پیچیده می‌سازند. که در این جستار خواهند آمد.

واژه‌های کلیدی: زبان‌های ایرانی شرق، زبان‌های پامیری، زبان اشکاشم، زبان‌های در خطر انقراض، زبان اقلیت، زبان پی‌خط.

Pamir languages: The Path to a written tradition

Dodykhudoeva L.R.

Institute of Linguistics, Russian Academy of Sciences,
Moscow, Russia

It is known that the use of writing strengthens the position of a language: the presence of writing and written texts enhances the sociolinguistic status of the language and written texts help to preserve the language.

The presence of a written tradition in Shughnan and Wakhan first emerged in the 7th century in the travel notes of the Buddhist monk Xuan Jiang. Although he noted that the two alphabets were different, he did not specify their differences. Since then, for a long period, there was no indication of written sources in this region, in these languages. There are indications that in the 19th and early 20th centuries, Shughnani speakers began to write literary and historical notes in their mother tongue. From the early 20th century, medical and historical writings in Shughnani have survived, as well as poetic divans, such as the divan of Mullo Lochin. These works were written mainly on the basis of Arabic script.

In the 1920s, the Soviet authorities in Tajikistan initiated a campaign on language planning, and an alphabet based on the Romanised system was created to teach the population in their native Shughnani language. Textbooks and fiction were published using this system.

Since the mid-1960s, the Pamir Studies Department of the Rudaki Institute of Language and Literature at the Tajik Academy of Sciences has been working under the direction of Professor Dodkhudo Karamshoev on collecting materials on Pamir languages and folklore, as well as on improving the writing systems of Pamir languages. The Department developed academic and popular scholarly alphabets for all unwritten Pamir languages, based on Russian-Tajik Cyrillic script. All the academic works of the Department have been published on the basis of these alphabets.

In 2013, with the objective of creating drafts of Pamir alphabets, a seminar was organized by the Institute of Linguistics of the Russian Academy of Sciences in Moscow and by the Institute of Humanities of the Tajik Academy of Sciences in Khorog, to develop alphabets for all Pamir languages based on the Tajik script, with the inclusion of additional letters. This project reached a new stage when books for children in their native languages began to be published in Khorog. Since 2014, centres for Early Development and Education in Khorogh, with the collaboration of Prof. Sh.P. Yusufbekov, and with international support, began publishing children's books in the Pamir languages.

وضع کنونی زبان‌های بی‌دییره تاجیکستان (در مثال زبان وَخانی)

سعادت‌شاه متربیان

دانشیار گروه زبان تاجیکی دانشکده دولتی زبان‌های تاجیکستان به نام ساتم الغزاد

زبان وَخانی یکی از بازماندهای زبان قدیم بوده، به گروه زبان‌های بی‌دییره بدخشانی داخل می‌شود. این زبان هرچند دارای خُطّ مخصوص خود نیست، در طول قرن‌ها ادبیات و صنعت مردم وَخان به شکل شفاهی رواج و رونق داشت.

از سرچشمه‌های تاریخی معلوم می‌گردد که زبان وَخانی همچون یک زبان مستقل، از دوران پیش از میلاد موجود بوده است. بنا به اخبار موجود و پژوهش‌های لنگویستی سال‌های اخیر، پس از ضبط عرب‌ها چندی از زبان‌های کهن ایرانی آسیای مرکزی، از جمله زبان وَنجی باستان از میان رفته‌اند.

در وادی‌های بلند کوه و دشوار‌گذر، از جمله در بدخشان، که امکان ورود خیلی مشکل بود و این منطقه در بن‌بست طبیعی قرار داشت، زبان‌های بدخشانی، از جمله زبان وَخانی محفوظ مانده‌اند.

از سرچشمه‌های تاریخی تا آخرهای قرن 19 دایر به زبان وَخانی به جز از اخبار شینجان (قرن 7 م)، "حدود العالم" (قرن 10 م) و مارکو پولو (قرن 13 م)، مطالب دقیقی در دست نیست. مؤلف گمنام رساله "حدود العالم" که در قرن 10 تألیف شده است، دایر به مردمان وَخان اطلاق داده، واژه "وَخن" را کاربرد نموده است: "... و مالک وَخان آنجا نشیند و از حدود وی روی، نمذین و تیر وَخن خیزد" [حدود العالم، ص 79]. ذکر باید کرد که نام محلی زبان وَخانی "xikwor" است، اما مردمان غیر وَخانی این مردم را وَخن و زبانشان را نیز وَخن می‌نامند. معلوم می‌گردد چنین شکل نام زبان وَخانی هزار سال پیش موجود بوده است.

در دوران شوروی حادثه واقعه‌هایی روی دادند که برای مردم وَخان و زبان آنها تماماً نو بودند.

در مقاله حاضر به وضع زبان بی‌دییره وَخانی در دوره استقلال جمهوری تاجیکستان توجه شده است.

واژه‌های کلیدی: زبان وَخانی، زبان‌های بیدییره بدخشانی، وَخن، جمهوری تاجیکستان

اندیشه‌ها پیرامون تأثیر زبان‌های پامیری به گویش‌های تاجیکی بدخشنان

عزیز میریابیف
دانشگاه ملی تاجیکستان

کوهستان بدخشنان تاجیکستان چون موزه زنده زبان‌های ایرانی در همزیستی زبان‌های ایرانی شرق و غربی نقش مهم داشته است. نمونه همزیستی زبان‌ها در این حوزه همزیستی لهجه‌های بدخشنانی گویش جنوبی زبان تاجیکی، که محققان «لهجه‌های بدخشنانی زبان تاجیکی» گفته‌اند، با «زبان‌های پامیری» می‌باشد. تأثیر «زبان‌های پامیری» چه در ساختار فونتیک و چه در نظام لغوی و دستوری گویش‌های تاجیکی بدخشنان به نظر می‌رسد.

وجود نداشتن صامت‌های "ه" و "ع" در گویش‌های تاجیکی بدخشنان ثمر تأثیرپذیری آنها از زبان‌های پامیری است: *hma* - لهجه‌های بدخشنانی: *ama*; زبان تاجیکی: *haft* - لهجه‌های بدخشنانی: *aft*; زبان تاجیکی: *hašt* - لهجه‌های بدخشنانی: *ašt*. در گویش تاجیکی و خان و اکثرًا در گویش شرقی تحت تأثیر زبان‌های و خانی و اشکاشیمی صامت‌هایی وارد شده‌اند که آنها عموماً خاص زبان تاجیکی نیستند [۳، س]. در گویش تاجیکی و خان پیدا شدن این صامت‌های *s*، *t*، *d*، *ð* (erebral) را نیز می‌توان چون نتیجه تأثیر زبان و خانی به گویش تاجیکی و خان توضیح کرد. فعل‌های مرگی، که یک جزء اصلی آنها از کلمه‌های و خانی (اشکاشیمی) عبارتند، تنها خاص لهجه‌های تاجیکی و خان و اشکاشیم می‌باشند: *čəw šədan* خراشیده شدن، خونشار شدن، *aw kardan* پرت کردن.

خلاصه، تأثیر زبان‌های ایرانی جنوب شرقی به لهجه تاجیکی بدخشنانی سبب اصلی پیدایش تفاوت آن با دیگر لهجه‌های جنوبی زبان تاجیکی گردیده است. همین تأثیر زبان‌های ایرانی مذکور نه تنها به نظام لغات، بلکه به ساختار آوایی و دستوری لهجه‌های بدخشنانی تغییرات مهم وارد نموده است، که در دیگر لهجه‌های جنوبی زبان تاجیکی به نظر نمی‌رسند. چنین وضع گواه بر تاثیرگذاری این زبان‌ها در لهجه‌های مذکور می‌باشد.

RELATION OF PAMIRI LANGUAGES , WITH TAJIK BADAHKSHANIAN DIALECTS

Tajik Gorno Badakhshan is one of the areas of Eastern Hindukush linguistic region and as the alive museum of Iranian languages has the large role in historical appearance of east and west Iranian languages. The wide sample of such linguistic existence in this area contains the function of Badakhshan saying of south dialects of Tajik language in the territory of spreading of some south-eastern Iranian languages, indicated in the scientific sphere of Pamirian languages. In this article is analyzed the influence of Pamiri languages in the development of phonetic phonetical, lexical and grammatical structures of Badakhshan saying of Tajik language.

Key words: ethnolinguistics region, ethnolinguistics area, co-existence languages, Badakhshan dialects Tajik language, Pamir languages, dialect of Ghoron, dialect of Nud, Tajik-Wakhan dialects, Tajik dialect of Shokhdara, influence south-eastern Iranian

شهریاری آرمانی بنابر گاهان اوستا

دکتر محمود جعفری دهقی

استاد دانشگاه تهران و رئیس انجمن ایران شناسی

نخستین بار در هزاره اول پیش از میلاد ایرانیان مکتب خاصی از جهان بینی و فلسفه ایرانشهری را در گستره وسیعی از فلات ایران بنیاد نهادند که از ترکیب سه تمدن ساکنان فلات ایران (تمدن های شهر سوخته، کاسی ها، ایلامی ها، اورارتوها، ...) و مهاجران آریایی به این سرزمین که حامل اندیشه های اوستایی بودند، تمدن همسایگان میانروانی تشکیل شد.

مغان ایرانی این مکتب را بوبیژه در عصر هخامنشی به تکامل رساندند و به مغرب زمین انتقال دادند. فلاسفه آتن از این مکتب و جهان بینی ایرانیان گزارش های مفصلی ارائه داده اند. موضوعات یکتاپرستی، آفرینش به دو شکل مینوی و مادی، جدال خیر و شر، فرشکرد و جهان پسین از اندیشه های این مکتب نشات گرفته بود. اما بنابر اسناد بازمانده از عصر باستان نظیر اوستا و کتبیه های هخامنشی عناصر و لوازم شهریاری آرمانی را می توان مبتنی بر چند اصل اساسی دانست: نخست نگرش ستیز همیشگی نیکی و بدی که از مهمترین بنیان های اندیشه ایرانشهری به شمار می رود. بنابر این اصل نبرد خیر و شر پیش از آفرینش جهان مینوی و مادی آغاز شده و به زمان آغازین باز می گردد که اهربین از جهان تاریک به قلمرو روشنی و جهان اهورایی یورش برد. نبرد نیکی و بدی از سوی دیگر علت و انگیزه آفرینش جهان و آدمیان به شمار می رود. سرانجام این نبرد به پیروزی نیکی بر بدی و اهورامزدا بر اهربین خواهد انجامید. این نبرد سرانجام به نبردی کیهانی می انجامد و حدود و غایت زندگی آدمی را معین می کند. دودیگر وجود الگویی برای نظم جهان آفرینش (اشه) که همان نظم اخلاقی کیهان است. بدیهی است که این الگو مایه سامان مندی سرزمین های آریایی خواهد بود.

سديگر برخورداری از فره ايزدي که نگهبان شهریار آرمانی و مردمان آن سامان خواهد بود. وجود عناصر ياد شده سبب می شود تا بنیان سرزمین مقدس یا آرمانشهر ایرانیان فراهم شود و هریار آرمانی در آن مستقر گردد.

در این پژوهش سه عنصر جدال خیر و شر و لوازم نظم کیهانی و عناصر مربوط به فره ايزدي در اوستا مورد بررسی قرار می گيرد و برای هریک شواهد و نمونه هایی ارائه می شود.
واژه های کلیدی: اوستا، گاهان، اهورامزدا، اشه، فر ايزدي

چند نکته در باره قوم خیه‌آنی / خیه‌آن در آثار باستان

پروفسور پروان جمشیدی،
فرهنگستان ملی علمهای تاجیکستان

تاریخ آریاییان پراز نقل و روایه‌های است که گاهی یک دیگری را انکار می‌کند، در آموزش و پژوهش دوران آریاییان و مخصوصا دوره زردشتی عالمان اروپایی به مسأله مبارزه آریایی‌ها و دشمنان اساسی آنها تره (تیریه) در زیر تاثیر شاهنامه فردوسی دقیق میدهند. دشمنان قوم ویشتاپ آریایی و زردشتیان آن دوران پس از تورها، (خیه‌آنی یان) در اوستای دوران ساسانی نام برده می‌شود.

پس خیه‌آنی یان کی بودند و اتنانیم (خیه‌آن) چی معنی دارد؟ در باره واژه‌ی (خیه‌آن) عالمان اروپایی خ. بر تعالی، اویلخیلم، خ.و. بیبلی، نعالی، اپیرت نقطه‌ای نظر خویش را ابراز داشتند. بر تعالی در کتابی "لغت زبان ایرانی باستان" (خیه‌آن) را با (خیه‌انیتها) یکی دانسته است. بیبلی واژه‌ی (خیه‌آن) را چون واژه‌ی فارسی *hayun* "اشتری یک کفه دار" یا "اشتری تیز دو" می‌گوید. نعالی: این واژه از صفت زبان هندی قدیم *syauna* – هند. *hyāona* – اوست. *hyāuna* "قناعت بخش"، پیرت *-xīaona* را کلمه هندو - ایرانی چون اسم پترانیمی حساب می‌کند. اوین واژه را با *sac*، *syūna* سنسکریتی مقایسه کرده، معنای آنرا چون "فرزنده زن" یا "فرزنده شکم" آورده است. او اینچنین می‌نگارد که این واژه "خیه‌آن" معنی تحقیر یا بد دارد و هفت بار در اوستا یاد آوری شده است.

اصلا درباره مردم و یا خلق به نام خیه‌آن چیزی در تاریخ مادها و هخامنشی‌ها وجود ندارد. شاید این روایتها و یا نقل‌ها از دوران پرفیینها وقتی که شاخ ارشکها والاگیزی ۱ به جمع آوری و برقرار کردن متن‌های مقدس اوستایی اقدام کرده بود

دینکرد و با زبان پرفیین نوشته شدند. ایات کار زریران به قهرمانی جنگ آوران شاه ویشتاپ با شاه خیه‌آنها، ارجاسپ (اریدجت- اسپ) و کشته شدن زریر (زیری ویر) برادر و سر فرمانده ارتش ایران شهر بخشیده شده اند.

تقریبا در دوران پادشاهی شاه ساسانی خسرو انوشیروان (عصر 6) "روایت درباره زریر" به زبان فارسی میانه ترجمه شده بود و تا دوران ما، در تحریر زردشتی پهلوی رسیده است. در این کتاب جنگ خیه‌آنها (خیه‌آن) با ایرانی‌ها یادآوری شده است، که در آن ایرانی‌ها پیروز شده اند (نگر. گرشاسب "شاهنامه" فردوسی).

چگونه ریشه یابی واژه‌ها میتواند نمایانگر ساختار آنها باشد، نمونه واژه‌ای "سکرِن" به چم زمین" و "پیری‌گر به چم پیرامون"

فریدون جنیدی،
بنیاد نیشابور، ایران

دانشمندان ایرانی یکی دو سده پیش، هرگاه به پدیده‌ای دانشی در جهان غرب دست می‌یافتند، چون از پیشینه‌ی دانش در ایران باستان آگاه نبوده‌اند و از زبان اوستایی و پهلوی بهره‌ای نداشته‌اند، پدیده‌های دانشی را از آن اروپاییان به شمار آورده‌ند و در نیبیگ‌های خویش نوشتند و در دانشگاه‌ها به دانشجویان آموزاندند. چونان کروی بودن زمین و گردش آن به گرد خود که از دیدگاه دستگاه دانشی دانشگاه‌های ما یافتن این راز، بی‌گمان از آن اروپاییان بوده است! (سال‌ها اینچنین می‌گذشت. ولی چون با پژوهش‌های پسین روشن شد که ابوریحان بیرونی چند سد سال پیش از گالیله به کروی بودن زمین و گردش آن به گرد خود پی برده بود در نیبیگ‌های پسین گاهگاه از این رویداد بزرگ دانشی در جهان چنین یاد می‌کردند که ابوریحان ۵۰۰ سال پیش از گالیله به این دانش رسیده بود و چنین شد که کار با این داوری درست به فرجام آمد...)

با اینهمه، گامی دیگر در تاریخ ایران می‌بایستی برداشتن، و آن چنین است که: زمین در زبان اوستایی با واژه‌ی سکرِن آمده است، در این واژه اگر «سین» را که پیشوند آوایی است و در ریشه واژه هیچ دست درازی ندارد بزداییم، ریشه آن به گونه‌ی گرن برجای می‌ماند که برابر است با «گرد» و «گردنده» و... بخش‌گر آن نیز با اندکی ساده‌تر شدن به گونه‌ی «گرد» و «گردش» و «گردنده» در زبان پارسی برجای مانده است و این خود آشکار می‌کند که از چند هزار سال پیش نیاکان ما می‌دانستند که زمین گرد است و بر دور خویش می‌گردد. نمونه‌ای دیگر از واژه‌ی «گر» و «گردش» در واژه‌ی «پرگار» بر جای مانده است که در زبان اوستایی به گونه‌ی پیری‌گر و پسان بگونه‌ی پیری‌گر درآمده است که بخش‌آغازین آن، پیری برابر است با «پیرامون» و بخش‌دوم آن گر برابر با «گردنده» و «گردش» است و بر روی هم «پیرامون‌گرد» گزارش می‌شود که آن نیز از چند هزار سال پیش در ایران شناخته شده است.

اصالت زبان در زبان زنده خلق

صادق قربان اف

استاد دانشگاه ملی تاجیکستان

در زبان زنده خلق اصالت زبان صداساله‌ها محفوظ می‌ماند. آثار خطی گذشتگانمان گفته ما را تقویت داده، دلالت از آن می‌دهد، که در ترکیب لغت گوییشهای زبان تاجیکی کلمه‌های اصیل همانا محفوظ مانده، در زبان ادبی جای آنها را کلمه‌های اقتباسی گرفته‌اند. برای بررسی مختصر این مسئله مواد گوییشهای جنوبی زبان تاجیکی و تاجیکان حوزه سرخاندیری ازبکستان را با آثار رودکی مقایسه می‌نماییم.

در آثار رودکی کلمه‌های زیادی را دچار می‌شویم، که امروز در لهجه‌های تاجیکی مورد استفاده قرار دارند، ولی در زبان ادبی امروزه کم استعمال، یا تماماً کار فرموده نمی‌شوند و در افاده معنا نیز تفاوت دارند. در این مورد حق بر جانب پروفسور غ. جورهیف است: «هر یک لهجه می‌تواند کلمه را در دایرة قانون و معیارهای خود استفاده برد» [جورهیف، ص. 38].

کلمه خمیرماهی، که از کلمه‌های قدیمی و معمول زیانمان به شمار می‌رود، امروز با کلمه خمیرترش عوض شده است. این کلمه در لهجه‌های جنوبی در شکل خمیرما می‌آید.

کلمه پوپک در گوییش تاجیکان سرخاندیریا به دو معنا آمده است: 1. آرایشات زنانه؛ 2. زلف. در آثار رودکی این کلمه به معنای «هدده» آمده است.

کلمه پالود در شعر رودکی به معنی «تازه کردن» آمده است:
زر (ر) بر آتش کجا خواهی پالود،

جوشد، لکن ز غم نجوشد چندان [آثار رودکی، 24].

در گفتار تاجیکان سرخاندیریا این فعل به همین معنا کاربریست می‌شود.

کلمه‌های چلم (چرک چشم)، یارستان (توانستن، قدرت و توانایی داشتن)، تفته (گرمی)؛ کازه (مکان موقتی در کشتزار)، چاشت (نصف روزی)، ویریب (در شکل وریف)، تندر (به معنای رعد)، آونگ (در شکل آوشک-ریسمانی یا چوبی، که میوه‌جات را می‌آویزند)، چخیدن (به معنای به درخت یا بلندی چارپایه برآمدن) در اشعار استاد رودکی فراوان استفاده شده، این کلمه‌ها یک قسم ترکیی لهجه‌های تاجیکی را تشکیل می‌دهند. البته، آموزش درجه استعمال این قبیل کلمه‌های اصیل در لهجه و آثار خطی زبان ادبی و افاده معنایی آنها در معینسازی روند تاریخی زبان و گوییشهای اهمیت اوّلین درجه دارد.

ادبیات:

1. جورهیف غ. سیستم لیکسیکه لهجوي زيان تاجيكي-دوشنبه، 2017-320 ص.
2. آثار رودکي. ستالين آباد: نشریات دولتی تاجیکستان، 1958. - 543 ص.

قياس واژه های زبان ادبی تاجیکی با لهجه‌ی جنوب

(در مثال لهجه‌ی دشت جم)

نذرالله کریم اف

دانشیار دانشگاه ملی تاجیکستان

عالی معنای واژگان رنگین و جالب است، بویژه، کلمه‌هایی که در این یا آن لهجه به معنای علاوه‌ی یا معنای اساسی خاص همان وادی استفاده می‌شوند. بعضی از این واژه‌ها در لهجه‌ها علاوه به معنای اساسی معنای علاوه‌ی کسب کرده‌اند. مثلاً، واژه‌ی مرده در زبان ادبی به معنای جسد آدم فوتیده استفاده می‌شود. در لهجه‌ی مذکور علاوه به این، به معنای "آدم خسیس، ممسک" به کار می‌رود. واژه‌ی آشنایی، که معنایش "رفیقی، دوستی" است، در لهجه‌ی دشت‌جم علاوه‌تاً معنای "غمخوارانه و اخوری گرم و صمیمی کردن، بوسه کردن" - را دارد. کلمه‌ی کولی در زبان ادبی معنای چاه ذخیره کردن غله در داخل حجره را داشته، در لهجه‌ی مذکور معنای "هر صندوق یا یخدانی، که از لای، چوب، فیلز برای نگاه داشتن غله دانه ساخته شده است"، فهمیده می‌شود. در حقیقت چنین واژه‌ها عنصرهای خاص این یا آن لهجه بوده، در دایره‌ی معنی به کار می‌روند. چنانچه، واژه‌های زیرین از همین قبیل عنصرهایی می‌باشند، که در لهجه‌ی دشت جم مورد استفاده قرار دارند: پُشته غِلک "از خرسنده در زمین غل خوردن"، داخونده "رفیق، دوست"، منجه "ریزه‌ی توت"، آدیر "صحراء"، باسُهمه "ساده"، مَلْنگ "بی پروا"، فَرَه "قوت"، آلک "بد"، لِکاک "جنبیدن" و غیره‌ها.

همچنین به جمله‌ی چنین عنصرها قسم زیاد فعل‌ها داخل می‌شوند، که خیلی جالب‌اند. مثلاً، پَییدن "افشاندن"، وریساندن "جنباندن، لرزاندن"، شَپیدن "هم به معنای زدن و نیز به معنای افشاندن"، سُمبیدن "پخته، کاه، لای، خاک وغیره را با پای سخت زیر کردن"، غَمَبیدن "افتیدن دیوار"، خَمَبیدن "فرامدن"، لوکیدن "جنبیدن، مثلاً، دندان"، پالاندن "تازه کردن شیر"، چاویدن "شنا کردن"، لُشپیدن "لغزیدن"، لُمبیدن "کسی را زدن".

فعل‌های ترکیبی به مثل: غَوَّل-غُودل شدن "شکسته پاره شدن"، هُربه نکردن "جراءت نکردن"، دَمه‌که کردن "نفس تیز-تیز بعد دویدن"، چَخ و چاوکردن "کافت و کاب" چخا پا شدن "سراسیمه شدن" وغیره.

خلاصه، لهجه‌ی دشت‌جم دارای ذخیره‌ی غنی واژگان بوده، آموزش آن برای حل مسائل مبرم زبان ادبی تاجیکی زمینه‌ی مساعد فراهم می‌آرد.

Anthropology of language in Afghanistan

Farida Ahmadi,
Oslov University, Norway

In total, throughout history humans have spoken about 10 000 languages. Today, only about 6000 of those remain as living languages. About 70 million people consider today Persian as their native tongue. In total, roughly 110 million globally speak the language. The Persian language is a very old language. Despite attempts from great powers who have tried to divide and limit people in different countries across the region through nationalism, religion and ethnicity, the Persian language have united its speakers throughout history. We still have our common language. The Persian poet Ferdowsi calls this region Aryana. Language is an essential part of the human life. Human struggle for their own needs, such as love, rights and solidarity. This struggle is made possible through language. Therefore, the study of languages is also a study of the human struggle for their own needs for recognition in everyday life. Human accumulation of knowledge regarding their needs develops languages and create their own thought maps through different set of beliefs and religions. This happens particularly through creative people like Mani, Jesus, Zoroaster, Muhammed, and Buddha.

Recently in the district of Jaghori, central Afghanistan, a large stone with multiple inscriptions was discovered. It was sent to Professor Nicholas Sims-Williams at University of London. He concludes that the carvings is written around year 757 AD. The writings mention the name Begtiz. He was a man who governed parts of the Middle East and Afghanistan during the 8th century. Additionally, it is on the stone written about how a local river stopped flowing and how it eventually dried out. It is evident that water, a primary need for humans, has been the topic of writings for centuries. The way human beings cover their own needs is through travels and mixing with other humans. Mobility therefore creates civilization and the development of language. One example of this is Surkh Kotal. The Surkh Kotal inscription is the first known substantial document written in Bactrian, an Iranian language. It uses the Greek script. It was first translated by the German linguist Walter Bruno Henning. This language is shared between Greeks and Balkh.

تاریخ و گویش شبانکاره در زبان فارسی

منصور عزیزی

ایران

شبانکاره یکی از اقوام اصیل ایرانی و پس از اسلام منسوب به شیعیان اسماعیلیه هستند که سابقه تاریخی آنان به سال‌ها و قرن‌ها قبل به مادها می‌رسد که از اقوام کرد به شمار می‌روند.

آنان در قبل از اسلام از اسپهبدان ساسانی بوده اند که در حمله اعراب به ایران تمام قد از ساسانیان دفاع کردند و نسب خودشان را چنانکه در تذکره‌ها و آثار تاریخی آمده به اردشیر بابکان بنیانگذار سلسله‌ی ساسانی می‌رسانند. اما این قوم در جهت پاسداری و حفظ و حراست از زبان و گویش و فرهنگ و آداب رسوم خود در طی هزاران سال به توجه به مهاجرت خود از فارس به دشتان بوشهر که حدود 700 سال از آن می‌گذرد و اکنون در این منطقه زندگی می‌کنند، همچنان کوشان بوده و سعی و تلاش دارند که معمولاً در استفاده از لغات و اصطلاحات بومی و قومی خود استفاده کنند. بخصوص در کاربرد واژه‌های کشاورزی و دامپروری که از دیرباز به این شغل مشغول بوده اند، هنوز همان اصطالت به چشم می‌خورد.

ویژگی دیگر در گویش و زبان آنان تغییر در کاربرد افعال است که معمولاً به آخر افعال حرف «ک» را اضافه می‌کنند که به این تغییرات در ضمن مقاله اشاره شده است.

سخنی پیرامون سره گویی و سره نویسی

هومر آبرامیان
استرالیا

در روزگاری که زبان پارسی در آستانه نابودی، و ایران با فرهنگ چندین هزار ساله اش تا گلگاه در کام تازشگران بیابانی فرو رفته بود، بزرگمردی بنام فردوسی از سرزمین دلاوران بپا خاست و با خامه زرافشان خود، اهریمن را در اوباریدن ایران ناکام گذاشت. فردوسی هوشمندانه دریافته بود که سرنوشت میهن بسته به پایداری زبان پارسی در برابر زبان تازشگران بیابانی است، در پی چنین دریافتی بود که نه تنها سی سال از زندگانی پربار خود، و نکه همه دار و ندار خود را هزینه کرد تا دستاوردهای کوشش چندین هزار ساله نیاکان خود را از گزند باد و باران روزگار دور نگهدارد.

با نگاهی به جهان امروز، به روشنی می‌توان دید که در روزگار ما، دشمنی زیانبارتر از تازیان، بنام «فناوری رسانه‌ی» در کار ویران کردن کاخ ورجاوند بنیاد زبان پارسی است، دشمنی سرسخت و شکست ناپذیر که هر روز با توانی بیشتر برج و باروی زبانهای بومی را در هم می‌کوبد.

پراکندگی پارسی زبانان، و پارگی پیوندهای تنگاتنگ فرهنگی میان فرزندان ایران بوم از یکسو، و فناوری‌های رسانه‌ی از سوی دیگر، زبان شیوا و شکرین پارسی را می‌فرساید و از توش و توان آن می‌کاهد. این خویشکاری بزرگ همه فرزندان فردوسی در گستره فرآخدا من فرهنگ ایرانی است که همه دانش و توانش خود را در پاسداری از آن بکار گیرند و کاخ سریلندی را که بدست پیر شهناهه گوی تو س ساخته شد، از باد و باران روزگار دور نگهدارند.

کلید واژه‌ها: سره گویی- سره نویسی- فرهنگ

The role of suffix - VARA in word derivation

Sayfiddin Mirzoev

Institute of Language and Literature (Rudaki)

National Academy of Sciences of Tajikistan

Word derivation is one of the most important ways and means of linguistics and it enriches language vocabulary. There are a lot of words formed with the help of prefix and suffix, in languages, especially in Yagnob and Tajik languages.

This article presents information about the suffix – vara in Yagnob language, features of its word formation, its development in comparison with the Tajik language, especially in its southern and southeastern dialects. For the first time this article examines the role of this suffix in the Yagnob language, in naming of geographic places associated with plants, its comparison with the conversation of some villages of the Aini district, and its comparison with oriental Iranian languages on the example of the Pamir and Pashto languages .

The need for this topic is the lack of knowledge of the suffix- **vara** from the historical and comparison point of view. The goal is to determine the regularity of the word formation of the suffix, its purpose and definition, features of the word formation and distribution.

Keywords: suffix - vara, word formation, Yagnob language, Sogdian language, Tajik dialects, Yazgulam languages and Pashto, East Iranian languages, geographic names, plants and herbs

THE ROLE OF SUFFIX -DON/-DUN IN THE WORD BUILDING OF YAGHNOBI LANGUAGE

Sayfiddin Mirzoev
Institute of Language and Literature (Rudaki)
National Academy of Sciences of Tajikistan

Word building is one of the most important parts of every language including Yagnobi language. To build words with suffixes is more common and the range of their studying is wide.

In the article the author analyzed only the words with suffix **-don/-dun** in Yagnobi language. The author paid attention to using of this suffix as it was not studied by other linguists before. Even A.L.Khromov the famous Yagnobi researcher included it to the list of less used suffixes in Yagnobi language. The collected and analyzed material by the author showed that the suffix **-don/-dun** is very productive suffix contrary to Khromov's classification.

There are a lot of words formed by this suffix. Some of them are similar to Tajik words in formation but they are not existed in Tajik language. Therefore most words formed by this word belong to Yagnobi language.

KEY WORDS: Yagnobi language, suffix –don, word building, words: "kimirmoyadon", "suzandon", "dukdon", "jomadon", "chakkadon", "zakhdon", "navdon", "sargindon", "sangdon", "namakdon", dialects of Tajik language

پارسی گویی و پارسی نویسی چونان نماد همبستگی ایرانی و دستور رضاخانی

فرشید دلشداد

آمریکا

فرهنگستان چونان سازمانی که آرمان آن پاسداری، پشتیبانی، بالش و پرورش زبان ملی یک سرزمین است، در باخترا زمین پیشینه‌ی گاه بیش از چهار سده را در بر می‌گیرد.

آکادمی کروسکا در ایتالیا (۱۵۸۲)، آکادمی آلیانس در فرانسه (۱۶۲۰) و رئال آکادمی در اسپانیا (۱۷۱۳) نمونه‌هایی از بنیادهایی هستند که در این زمینه تلاش می‌کنند. تاریخ فرهنگستان در ایران به ۱۳۱۴ خورشیدی، یعنی به هشتاد و اندی سال پیش باز می‌گردد.

گرچه امروز در رسانه‌های گروهی کمتر سخنی از کوشش‌های نخستین فرهنگستان ایران در زمینه‌ی زیان‌شناختی و بر پایه‌ی واژه‌گزینی و پالوده‌سازی زبان پارسی به میان می‌آید، اما بی‌جانیست که بدانیم که پیش‌تاز این اندیشه - که شالوده‌ی آن پیشاپیش در سال ۱۳۰۳ خورشیدی و از سوی گروهی از نمایندگان وزارت‌خانه‌های جنگ، فرهنگ و هنر دوران پهلوی نخست پی‌ریزی شده بود - فرمان روشن رضاشاه در سال ۱۳۱۴ بود که سپس به "دستور رضاخانی" شهره شد.

دستور رضاخانی بی‌گمان بنیادی‌ترین و استوارترین و همچنین سازمان‌یافته‌ترین واکنش به زبان پارسی آشفته‌ی پایان دوره‌ی قاجار و آغاز سده‌ی بیستم میلادی بود، زبانی که در درازنای بیش از یک هزاره در کنار چالش همیشگی‌اش با عربی و سپس مغولی و ترکی اکنون دستخوش یورش واژگان اروپایی شده بود. در این سخنرانی تلاش بر آن خواهد بود که گوشه‌هایی از تلاش‌های فرهنگستان را با آوردن نمونه‌های برجسته نماییم و هم‌زمان چالش‌هایی را که این بنیاد از آغاز تاکنون پیش روی داشته است، بر شماریم.

"خط فارسی، نه عربی!"

علی اکبر صمدی

ایران

حرف، صورت نوشتاری واج و واج، صورت گفتاری حرف است. بسیاری از زیان‌ها با یک الفبای همسان به نگارش در می‌آیند. مانند بیش تر زبان‌های اروپایی که کاربرد نوشتاری آن‌ها با الفبای رومیایی [لاتین] است. اما هر یک از این زبان‌ها دارای نظام نوشتاری ویژه‌اند. چنان‌که نظام نوشتاری آلمانی با انگلیسی یا اسپانیولی فرق دارد.

کاربرد الفبا/خط یکسان در هر یک از دو زبان فارسی و عربی، نظام نوشتاری ویژه‌ای را در هر یک، پدید آورده است. چنان‌که کاربرد همزه و /ی/ و واکه/مصوت‌ها در دو زبان فرق دارد یا در خط فارسی، گاهی حرفی مانند /و/ خوانده نمی‌شود، مانند "خواهر، خواستن" که به آن "املای تاریخی" می‌گویند. خطی که در زبانهای عربی و فارسی و زبان‌های ایرانی نو و زبان‌های ترکی، همچنین زبان‌های ایرانی و ترکی-پیش از گزینش الفبای لاتین یا سیریلیک به جای آن‌ها به کار می‌رفته، همین خط مشترک فارسی-عربی بوده.^۵

روایت‌های دانشمندان مسلمان، خاستگاه خط را انبار و کوفه [عراق، دل ایرانشهر] و حیره، سپس شمال عربستان می‌دانند. پژوهش‌ها و یافته‌های علمی تازه نیز خاستگاه خط کتبیه‌ها را سامی جنوبی یا آرامی [میانرودان] می‌دانند. با پروا به این که خط‌های عربی، نبطی، زبوری، پهلوی و کوفی که گونه‌ای از خط پهلوی است، همگی ریشه در الفبای آرامی دارند و آرامی نیز از فنیقی گرفته شده است، نمی‌توان الفبای کاربردی در دو زبان عربی و فارسی را تنها به نام الفبای عربی خواند. تازه این در حالی است که عربی، در آغاز نوشتاری شدن همانا صورت کاربردی خط کوفی بوده که برای نوشتن کتبیه‌ها به کار می‌رفته است. "نسخ" نیز عربی شده‌ی نسک است به معنای کتاب و نوشته.

کلید واژه‌ها: خط فارسی و عربی، نظام نوشتاری، الفبای رومیایی، خط کوفی، دل ایرانشهر.

دیبره، آفریده ایرانی

بهروز تابش
آمریکا

شیوه‌ی فرآگیر در بر بستگی و پیوند میان آدمیان است. پن سخن چون گفته شد همان دم برای همیشه نیسته تواند شد. دیبره، نخستین آدمی ست برای ماندگار گردانیدن سخن. دیبره اگر کرامندترین آفرینش‌ها نباشد یکی از شگفت‌ترین و سودمندترین آن‌ها بشمارست. از دیرباز تاکنون ناشمار آدمیان براستای دیبره می‌اندیشیده و براین باور می‌بوده اند که دیبره بایست خاستگاه خداوندی داشته باشد. می‌توان انگاشت که دیبره نزد مردمان روزگار خداوند دیرین چنان رازیجه و پیچیده می‌نموده که مصریان کهن، هندوان، و سپس مسلمانان آن را ناگزیر دستگذار خداوند به آدمیان می‌پنداشته اند. بیشینه‌ی مردم می‌گمانند دیبره همیشه در میان بوده و بدین رو نآگاه اند که دیبره در درازای هزاران سال و همراه با بهسازی‌ها و فرکشت‌های گام به گام پای گرفته است. سومریان و ایرانیان که زمانه سنگی را در نور دیده و به آستانه‌ی زمانه‌ی نوسنگی و توبال (عصر فلز) فرا رسیده بوده اند با شهرگرایی، شهرنشینی و شارسازی (تمدن) همگون، کمابیش همزمان، به آفرینش دیبره توانا گردیده اند.

پیدایش دیبره با فرایندهای بغرنج و پیچاپیچ در پیوند بوده و در آغازش شمارگرها ابزار یادداشت نمادها و نمایاندن نمادین چیزها و شماره‌ها بوده اند. پروفسور دنیس شمات - بسرا: مهره‌ها شناساگر نخستین کامه در روند دنباله دار ۱۰۰۰ ساله شمارکری (حسابداری) در آسیاب تپه و گنج دره تپه کرمانشاه می‌باشند. مهره‌ها پیشتر نبشن تن بوده اند.

که این گهولش (تبديل) در بر بستگی‌ها (ارتباطات) و در پوشش (بولا Bulla) ها رخ داده و آن هنگامی بوده که مهره‌های سه بعدی با هرزدن دو بعدی آن‌ها جایگزین شده که آغاز نبشن بشمارست. بیشینه‌ی این مهره‌ها با دیرینگی ۱۰۰۰ سال، در زمین‌لاد ایران یافته شده اند. گردانش فرنود آوری واکر C. B. F. Walker استاد دانشگاه نیویورک: دیبره چه بسا در سرزمین‌های ایران پدید شده است. پژوهش نبشه‌های آغازین اوروک می‌رساند که وابسته به پیشینه‌ی فرتورنگاری بی‌بوده که هنوز بازیافته و بازشناخته نشده است.

سومریان کارساز فراهم آوری نبشن در اوروک شناخته شده اند، چیزی که اثبات پذیر نیست. از آنجا که این دیبره با همه سدا (آوا) هایی که استادان زیان‌شناسی در زبان سومری شناخته اند درست جور نیست و همخوانی ندارد به این پیامد دست یافته اند که آفریدگی دیبره میخی می‌باید از سوی مردمان دیگری بوده باشد که به تازگی پروفسور یوسف مجیدزاده سه پلمه در جیرفت، ایران، به دست آورده که دست آورده که ۳۰۰ سال از دیرین ترین نبشه در جهان، کهن ترند. این پژوهش کوششی است در راستای واکاوی راستینگ‌های بازیسته به آغاز پیدایش دیبره و چگونگی فرگشت آن.

سخنرانان همایش تورفان تا تیسفون

1. احمدی, فریده - نرور

farida.noor.ahmadi@gmail.com

2. آبرامیان, هومر - استرالیا

homer.cgiou@gmail.com

3. تابش, بهروز - امریکا

pesamtik18@gmail.com

4. جعفری دهقی, محمود - ایران

Mjdehaghi@yahoo.com

5. جمشیدی , پروان - تاجیکستان

pjam07@mail.ru

6. جنیدی, فریدون - ایران

fereydoonjoneydi@hotmail.com

7. دادخدایوا, لیلا - روسیه

leiladod@yahoo.com

8. دلشاد, فرشید - امریکا

farshiddelshad@gmail.com

9. رحماناف, بختیار- تاجیکستان

zobit@list.ru

10. شریف‌اوا, فرنگیس - تاجیکستان

farangis70@mail.ru

11. صمدی, علی اکبر - ایران

a.a.samady@gmail.com

12. جابراف، عبدالقدار - تاجیکستان

abdukodir667@gmail.com

13. عزیزی, منصور - ایران

mansour. @azizi891@gmail.com

14. قربان اف، صادق - تاجیکستان
kurbonzoda64@mail.ru

15. کبیراف، خورشید - تاجیکستان
n.tosheva@mail.ru

16. کبیراف، شهباز - تاجیکستان
shahbozikabir@mail.ru

17. کریم اف، نذرالله - تاجیکستان
nazrullo_karimov@mail.ru

18. محمد اف، قربان - تاجیکستان
somon8383@mail.ru

19. متربابیان، سعادت شاه - تاجیکستان
s.matrobov@mail.ru

20. میرزا یوف، سیف الدین - تاجیکستان
sayf_yagnob@mail.ru

21. میربابایف، عزیز - تاجیکستان
aziz_mirboboev@mail.ru

22. ناصری، نیلوفر - افغانستان
nilofarnasiri3@gmail.com

23. نظروف، نظر - روسیه
nazarnazarov@yandex.ru

24. نظراوا، ظریفه - روسیه
bnazarova@yandex.ru

